

چرا "لغو کارمزدی"؟

- ما در دنیایی زندگی می کنیم که در آن بین انسان ها رابطه اجتماعی خاصی وجود دارد که همیشه وجود نداشته است. در این رابطه اجتماعی، انسان بسته به این که در کدام طرف آن قرار گرفته باشد، یا خریدار نیروی کار است یا فروشنده آن. خریدار نیروی کار همان مالک وسایل تولید و مبادله یعنی سرمایه دار است، و فروشنده نیروی کار همان کارگر است که برای زنده ماندن جز این راه هیچ راه دیگری ندارد. در این رابطه اجتماعی، نصیب اولی ثروت و قدرت و آسایش است و قسمت دومی فقر و نکبت و بدبختی و درد و رنج مدام. به این رابطه اجتماعی، سرمایه می گویند.

- کارگر نه مانند برده به برده دار تعلق دارد و نه همچون رعیت وابسته به زمین است. کارگر به دو معنا آزاد است: آزاد از هرگونه وسیله تولید و مبادله، و آزاد در این که نیروی کارش را بفروشد یا نفروشد. کارگر، برخلاف برده و رعیت، حق دارد که نیروی کارش را به سرمایه دار نفروشد. اما در این صورت باید از زندگی خود دست بشوید و از گرسنگی بمیرد. پس، به طور واقعی- و نه حقوقی- کارگر مجبور است که نیروی کارش را به سرمایه دار بفروشد.

- کارگر نیروی کارش را برای مدت معینی به سرمایه دار می فروشد و در ازای آن پول می گیرد، و سرمایه دار پس از خرید نیروی کار کارگر او را برای این مدت به کار می کشد. پس، سرمایه دار نیروی کار کارگر را می خرد اما از او کار می کشد. تفاوت بین خرید نیروی کار کارگر و استفاده از کار او همان سودی است که نصیب سرمایه دار می شود، و به علت همین سود است که سرمایه دار روز به روز ثروتمندتر و قدرتمندتر و کارگر روز به روز فقیرتر و بدبخت تر می گردد. به این عمل سرمایه دار یعنی بیرون کشیدن سود از جسم و جان کارگر، استثمار می گویند.

- پس، در رابطه اجتماعی سرمایه یا همان رابطه خرید و فروش نیروی کار آنچه گیر سرمایه دار می آید سود است و آنچه گیر کارگر می آید پولی است که سرمایه دار به کارگر میدهد. این پول، همان مزد است. بین سود و مزد یک رابطه معکوس وجود دارد: هرچه سود بیشتر شود مزد کمتر می گردد و هرچه مزد افزایش یابد سود دچار کاهش میشود. بنابراین، افزایش دستمزدها فقط باعث کاهش سود سرمایه دار می شود و نه- آن گونه که سرمایه داران می گویند- باعث گرانی و تورم.

- به کاری که کارگر در ازای مزد می کند کارمزدی می گویند. وجود سرمایه، یعنی خرید و فروش نیروی کار، مستلزم وجود کارمزدی است و کارمزدی نیز نیازمند وجود خرید و فروش نیروی کار است. بنابراین، تازمانی که کارمزدی وجود دارد سرمایه یا رابطه ضدانسانی خرید و فروش نیروی کار نیز وجود دارد. به این ترتیب، سرمایه چیزی نیست که مثلاً با مصادره اموال سرمایه دار و دولتی کردن آن از میان برود. سرمایه یک رابطه اجتماعی یعنی رابطه خرید و فروش نیروی کار بین انسان ها است. برای آن که این خرید و فروش از میان برداشته شود، باید چیزی به نام کارمزدی وجود نداشته باشد.

- ما فعالان ضد سرمایه داری به این دلیل خواهان لغو کارمزدی هستیم.